



جنگ می‌شود؟ پاسخی به مهم‌ترین پرسش امروز جامعه

« آیا جنگ دوباره آغاز خواهد شد؟» این روزها این پرسش مشترک بارها در میان مردم، نخبگان و حتی فعالان سیاسی و اقتصادی مطرح می‌شود.

به گزارش **همشهری آنلاین**، **کامران شیرازی کارشناس مسائل سیاسی:** « آیا جنگ دوباره آغاز خواهد شد؟» این روزها این پرسش مشترک بارها در میان مردم، نخبگان و حتی فعالان سیاسی و اقتصادی مطرح می‌شود. پاسخ به این سؤال با بررسی واقعیات میدان، محاسبات راهبردی و شناخت رفتار طرف مقابل ممکن است. در تحلیل مسائل امنیتی، اصل اساسی این است که «اراده جنگ» به تنهایی کافی نیست؛ بلکه باید دید هزینه‌ها، ظرفیت‌ها و پیامدهای جنگ برای طرفین چگونه ارزیابی می‌شود. با این حال گاهی واقعیت با آنچه محاسبات و نتیجه تحلیل‌ها نشان می‌دهد، یکی نیست.

در ماه‌های گذشته، پیش از تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به خاک کشورمان، بسیاری از تحلیلگران معتقد بودند که وقوع جنگ گسترده بعید است؛ زیرا هرگونه حمله به ایران، صرفاً یک عملیات محدود نخواهد ماند و به سرعت ابعاد منطقه‌ای پیدا می‌کند. جمهوری اسلامی طی سال‌های گذشته شبکه‌ای از مؤلفه‌های بازدارنده در منطقه ایجاد کرده که می‌تواند منافع آمریکا را در نقاط مختلف غرب آسیا تحت تأثیر قرار دهد. همین مسئله باعث شده بود حتی بسیاری از اندیشکده‌های آمریکایی نیز نسبت به ورود واشنگتن به جنگ هشدار دهند. با این حال، تجربه نشان داد که تصمیمات ترامپ همیشه بر اساس محاسبات کلاسیک امنیتی اتخاذ نمی‌شود. او پیش‌تر نیز ثابت کرده که در بزنگاه‌های سیاسی، بیش از آنکه به نتایج بلندمدت فکر کند، به دنبال «نمایش قدرت» و تولید یک پیروزی رسانه‌ای است. به همین دلیل، برخلاف بسیاری از پیش‌بینی‌ها، آمریکا وارد تقابل مستقیم شد.

اکنون اما شرایط متفاوت است. ترامپ پس از تجربه هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی جنگ، در وضعیتی قرار گرفته که هر تصمیم جدید می‌تواند او را عمیق‌تر در بحران فرو برد. اگر اقدامی نکند، از سوی جریان‌های تندرو آمریکایی و صهیونیستی متهم به عقب‌نشینی خواهد شد و اگر وارد درگیری تازه شود، احتمال گسترش بحران و آسیب دیدن منافع آمریکا در منطقه بسیار بالاست. به همین دلیل، محتمل‌ترین سناریو در شرایط فعلی نه جنگ فراگیر، بلکه فشار کنترل‌شده همراه با تهدید و حملات محدود مقطعی است؛ اقدامی که بتواند برای ترامپ یک «دست‌آورد تبلیغاتی» بسازد، بدون آنکه آمریکا وارد یک جنگ فرسایشی شود. در مقابل، جمهوری اسلامی نیز بارها تأکید کرده که هرگونه تعرض به زیرساخت‌ها یا منافع ملی ایران، با پاسخ مستقیم، سنگین و مؤثر مواجه خواهد شد. پیام روشن ایران این است که دوران «ضربه بدون هزینه» پایان یافته و هر اقدام نظامی می‌تواند به تهدید منافع آمریکا در سراسر منطقه منجر شود، این موضوع هم پیش از این و در جنگ تحمیلی اخیر از سوی ایران اثبات شده است.

یکی از مهم‌ترین نقاط فشار در این معادله، مسئله تنگه هرمز است. امروز غرب به خوبی می‌داند که امنیت انرژی جهان، بدون ثبات در خلیج فارس ممکن نیست. حتی اختلال محدود در این مسیر، می‌تواند بازار جهانی انرژی و اقتصاد آمریکا و اروپا را با بحران مواجه کند. همین مسئله، قدرت بازدارندگی ایران را افزایش داده است. پیام روشن تهران این است که اگر امنیت ایران هدف قرار گیرد، امنیت اقتصادی رقبایش نیز تضمین نخواهد شد. از سوی دیگر، وضعیت داخلی آمریکا نیز عامل مهمی در تصمیم‌گیری کاخ سفید است. افزایش فشارهای اقتصادی، نگرانی‌های تورمی و نارضایتی بخشی از افکار عمومی آمریکا نسبت به هزینه‌های جنگ، فضای مانور ترامپ را محدود کرده است. او نیاز دارد از یک سو چهره‌ای مقتدر از خود نمایش دهد و از سوی دیگر وارد جنگی نشود که آینده سیاسی‌اش را تهدید کند. بنابراین، در پاسخ به سؤال «جنگ می‌شود؟» باید گفت که احتمال تنش و درگیری محدود همچنان وجود دارد، زیرا دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی یک واقعیت مستمر است؛ اما وقوع یک جنگ گسترده و طولانی، دست‌کم در شرایط فعلی، بیش از آنکه برای آمریکا سود داشته باشد، می‌تواند به یک باتلاق پرهزینه تبدیل شود. ترامپ امروز بیش از آنکه به دنبال آغاز جنگ باشد، به دنبال یافتن راهی برای خروج از بحران با حفظ ظاهر پیروزی است. اما در عین حال، جمهوری اسلامی نیز نشان داده که در برابر هرگونه خطا، آماده پاسخ قاطع و بازدارنده است. در نتیجه، منطقه همچنان در وضعیت «آماده‌باش راهبردی» قرار دارد و آینده تحولات، بیش از هر چیز به میزان خطای محاسباتی آمریکا و رژیم صهیونیستی بستگی خواهد داشت.